

یکی از مسائل چالش‌برانگیز در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، کثرت جذب دانشجو و به تبع آن خیل دانشجویانی است که می‌بایست فارغ‌التحصیل شده و پایان‌نامه‌ای را ارائه نمایند. کثرت دانشجویان کارشناسی ارشد و همچنین دکتری موجب شده است تا دانشجویان از نظر علائق علمی و پژوهش‌های کلاسی دچار پراکنده‌کاری و یا سری‌کاری شوند زیرا ایشان بجای آن‌که یک سیر مطالعاتی را در روند ارائه مقالات کلاسی برگزینند، به دلیل تعداد زیاد دانشجویان مجال راهنمایی مؤثر از طرف اساتید وجود ندارد. بدین ترتیب هنگامی که دانشجویان به مرحله انتخاب موضوع پایان‌نامه می‌رسند همواره شکایت از فقدان موضوعات بکر کرده و یا مرتباً موضوعات تکراری به گروه‌های آموزشی معرفی می‌گردد. عدم برنامه‌ریزی صحیح موجب می‌شود تا تعداد کمی از دانشجویان علائق خود را شناسایی کنند و، باری به هر جهت، در محدوده‌ی زمانی مشخص موضوعاتی را پیشنهاد کنند. مشکل به وجود آمده را از چند منظر می‌توان آسیب‌شناسی کرد. نخست آن‌که دانشجویان کارشناسی ارشد می‌بایست تحت سرپرستی اساتید مشخص قرار گیرند، علائق آن‌ها شناسایی شود و یا سعی شود استعدادهای آن‌ها شکوفا گردد که این امر با کثرت دانشجویان امکان‌پذیر نیست. مشکل جذب تعداد زیاد دانشجو دور تسلسل باطلی است که موجب شده است تعداد زیادی موضوع انتخاب گردد لذا انتخاب موضوعات غیرتکراری کاری بس دشوار شده است. با وجود این، رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی با خلأ موضوعات مواجه است. یکی از مصادیق بارز آن حیطه‌ی موضوعی فصلنامه "مطالعات دانش‌شناسی" است. در طی دوره‌ای که این مجله فراخوان مقالات را شروع کرده است تعداد زیادی از مقالات را در موضوعات مدیریت دانش و تحلیل استنادی دریافت کرده است درحالی‌که موضوعاتی نظیر سازمان‌دهی دانش، سرمایه‌های دانشی، اقتصاد اطلاعات و اقتصاد شبکه، داده‌کاوی، متن‌کاوی و توسعه دانش و نظیر این‌ها، از جمله خلأهای موضوعی هستند که در خصوص آن‌ها احتمالاً کمتر پایان‌نامه‌ای دفاع شده و مقاله پژوهشی نگاشته شده است، لذا توجه جامعه علمی علم اطلاعات و دانش‌شناسی را به این خلأهای موضوعی جلب نموده و این طرح مسئله می‌تواند فرصتی برای انتخاب موضوعات جدید باشد.

### فهیمة باب الحوائجی

بهار ۱۳۹۴